

اسلام پژوهی

شماره سوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، صص ۶۳-۷۴

معیارهای نقد در حدیث

داود سلیمانی*

چکیده

نقد الحدیث، ریشه در آموزه‌های دینی و بالاخص احادیث و روایات معصومین^(ع) دارد. قرآن و سنت دعوت به استماع قول و اتباع از قول احسن نموده‌اند، که این امر جز با واریسی سخنان به دست نمی‌آید. نقد متن و نقد سند حدیث هر چند برای هر پژوهنده حدیثی، لازم است، ولی توجه به حوزه‌های نقد نظری و نقد عملی و معیارهایی که برای عمل نقد، لازم است اعم از معیارهای ادبی، نقلی و یا عقلی، می‌تواند عمل نقد را تسهیل نماید. معیارها و محک‌های نقد حدیث، هم مربوط به سند حدیث و هم متن آن است و علومی همچون درایه، رجال از سویی و نقد حدیث از سوی دیگر، عهده‌دار عمل نقد بوده‌اند. در نقد متن حدیث، تکیه به چهار معیار ادبی، نقلی، حسی و عقلی، بسته به محتوایی که محقق با آن سر و کار دارد، ضروری است. برخی بر این معیارها، معیارهای علم قطعی را نیز افزوده‌اند.

واژگان کلیدی: معیارهای نقد سند، معیارهای نقد متن، نقد بیرونی، نقد درونی، نقد الحدیث.

طرح مسئله

اینکه نقد در لغت و اصطلاح و کاربردهای آن در قرآن و سنت به چه معناست و از این امر چگونه می‌توان در بررسی روایات استفاده نمود؟ بررسی معیارهای نقد، امری است که نیاز به پژوهش دارد؛ زیرا اگر بتوان در پرتو چنین پژوهشی «معیارهای نقد متن» را به درستی به دست آورد، عمل نقد با این معیارها روشمندتر و بهتر صورت می‌گیرد.

هدف از این مسئله، شناخت بهتر نقد متن و معیارهای آن برای به کارگیری در بررسی حدیث است و پاسخ به این امر که آیا می‌توان بین معیارهایی که در عمل نقد صورت می‌گیرد و ابزاری که در عمل فهم به کار می‌رود، تفاوتی قایل شد و همچنین بررسی معیارهای نقد و اینکه کدام یک از معیار می‌تواند در نقد سند و کدام یک در نقد متن، مورد استفاده دانشمندان علوم حدیث قرار گیرد؛ راهگشای بحثی نو در حیطه نقد حدیث است.

نقد در لغت

«نقد» در لغت به معنای تمییز و تشخیص سره از ناسره است؛ چنان که گفته‌اند: «النقد تمییز الدرهم» (فراهیدی، ۱۴۱۴، ج ۳: ۱۸۲۸) و یا «النقد و التناقد تمییز الدرهم و اخراج الزیف منها» (ابن منظور، ۱۴۲۰، ج ۱۴: ۲۵۴) که به معنای نظر کردن و بررسی درهم و نقد، به منظور تشخیص بدل از اصل است. بیشترین معنای به کار رفته در احادیث، «نقد» به معنای «درهم و دینار» و یا «نقد» در مقابل «نسیه» است. در بخشی از سفارش‌های امیرالمؤمنین علی^(ع) به کمیل ابن زیاد، «نقد» در معنای جستجو کردن و زیر و رو کردن به کار رفته، چنان که فرموده‌اند: «یا کمیل لا تنقد طعامک فان رسول الله^(ص) لاینقده» یعنی: ای کمیل غذای خود را زیر و رو و واری می‌کن که رسول خدا^(ص) با طعام این گونه نمی‌کرد. «نقاد» به معنای بسیار نقد کننده، خرده گیر و همچنین به معنای «صراف» و جداکننده درهم‌های اصل از بدل است (جر، ۱۳۶۳، ج ۲: ۲۰۷۴)، ولی آنچه در این مقاله در پی آنیم همان بررسی حدیث به منظور تشخیص اصل از بدل آن و یا بررسی اجزاء متن حدیث از نظر صحت و سقم آن است.

نقد الحدیث در اصطلاح

«نقد الحدیث» در اصطلاح بررسی صدور و یا عدم صدور حدیث از معصوم، و یا بررسی صحت و سقم اجزای حدیث است. این صحت و سقم گاه راجع به سند است و گاه متن. یعنی گاهی این صحت و سقم به استناد و یا سند روایت بر می‌گردد که آیا اساساً این روایت از معصوم صادر شده یا نه و اینکه به چه دلیل می‌توان حدیث را به معصوم^(ع)، مستند نمود یا رد کرد؟ راویان حدیث چگونه‌اند؟ کیفیت سند از جهت اتصال و انقطاع چه حالتی دارد؟ گاهی نقد به صحت و سقم متن روایت برمی‌گردد، اینکه اساساً چنین متنی از ناحیه معصوم^(ع)، ممکن الصدور است یا بعید الصدور؟ متن دارای رکاکت لفظی و معنوی است یا نه؟ تمامی اجزاء متن از معصوم^(ع) است یا نقل به معنا شده است؟ آیا در متن، تصحیف و تحریف یا زیادت و نقصان رخ داده است یا خیر؟ تمامی این موارد به «نقد متن» حدیث راجع است. از این رو نقد الحدیث را به «نقد سند» و «نقد متن» تقسیم نموده‌اند.

بنابر آنچه آمده، موضوع «نقد الحدیث»، سند و متن حدیث از جهت صحت و سقم آن و یا صدور و عدم صدور آن از معصوم^(ع) است.

نقد در قرآن و روایات

در قرآن کریم، واژه «نقد» به کار نرفته است؛ ولی واژگانی نزدیک به این معنا در ضمن برخی از آیات وجود دارد؛ نظیر واژه «یمیز» در آیه: «و ما کان الله لیذر المؤمنین علی ما انتم علیہ حتی یمیز الخبیث من الطّیب» (آل عمران، آیه ۱۷۹)، خدا بر آن نیست که مؤمنان را به این [حالی] که شما بر آن هستید واگذارد، تا آن که پلید را از پاک جدا کند (ترجمه فولادوند)، «جدا کردن» پاک از ناپاک، مترادف معنایی است که از نقد ذکر شده است. همین تعبیر در آیات «لیمیز الله الخبیث من الطّیب» (انفال، آیه ۳۷) و «امتازوا الیوم ایّها المجرمون» (یس، آیه ۵۹) نیز تکرار شده است.

از سوی دیگر لازمه عمل به مفاد برخی از آیات، تشویق به عمل «نقد» است یا مثلاً عمل به مفاد آیه: «فبشّر عبّادالدّین یستمعون القول و یتبعون أحسنه» (زمر، آیات ۱۷-۱۸) نیازمند شنیدن و بررسی کردن سخن، قبل از عمل و اتباع از آن است. یعنی تبعیت از بهترین سخن در پرتو نقد و بررسی سخنان و برگزیدن سخن درست‌تر و بهتر

آن میسر می‌گردد، که این همان «عمل نقد» است. همچنین عمل به مفاد آیاتی مانند: «و لا تقف ما لیس لک به علم ان السمع و البصر و الفواد کل اولئک کان عنه مسؤولاً» (اسراء، آیه ۳۶) نیز این گونه است.

همان طور که اشاره شد در روایات نیز واژه «نقد» به کار رفته است؛ ولی بیشترین کاربرد «نقد» در روایات، در معنای «درهم، دینار، مال و نقدینه» است (طوسی، ۱۴۲۶، ج ۷: ۱۱۳ و ۱۴۰۶، ج ۳: ۷۶؛ حرّعاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۸: ۲۰۰). هر چند این واژه به ضمّ نون و قاف «نُقْد» به معنای نوعی درخت (بادام تلخ) نیز به کار رفته است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷: ۱۱۵؛ ابن بابویه، ۱۴۰۵، ج ۲: ۲۷۰).

در این کاربردها گاه به «نقد» در معنای فحص و بررسی سخن نیز بر می‌خوریم، چنان که در روایتی از قول حضرت مسیح^(ع) آمده است: «خذوا الحقّ من اهل الباطل، و لا تأخذوا الباطل من اهل الحق، کونوا نُقَادَ الکلام، کم من ضلاله زخرفت بایه من کتاب الله کما زخرف الدرهم من نحاس بالفضه المموهه النظر إلى ذلک سواء البصراء به خبراء». (مجلسی، همان، ج ۲: ۹۶؛ برقی، ۱۴۱۶: ۱۲۳۰). حق را از اهل باطل بپذیرید و باطل را از اهل حق نپذیرید، از نقد کنندگان سخن باشید؛ زیرا چه بسیار سخن گمراه کننده‌ای که به آیه‌ای از کتاب خدا زیبا نما گردد، چنان که درهم مسین را به نقره تزیین کنند تا چشم فریب خورده و مس و نقره را یکسان پندارد، ولی خبرگان، به اصالت و یا عدم اصالت آن پی می‌برند. در روایت مذکور «نقد» دقیقاً به همان معنای مصطلح در «نقد الحدیث» است.

اقسام نقد

«نقد» را به طور کلی، به «نقد نظری» و «نقد عملی» یا تجربی تقسیم می‌کنند.

۱. نقد نظری^۱

مراد از «نقد نظری» مجموعه منسجمی از اصطلاحات، تعاریف، مقولات و طبقه‌بندی‌هایی است که می‌توان آنها را در بررسی‌ها، مطالعات و تفاسیر مربوط به آمار به کار برد. همین طور نقد نظری، معیارها و محک‌ها و قواعدی را مطرح می‌کند که با

1. Theoretical Criticism.

2. Criteria.

استعانت از آنها می‌توان آثار نویسندگان آنها را مورد قضاوت و ارزیابی قرار داد و به اصطلاح ارزش‌گذاری کرد.

قدیمی‌ترین اثر معتبر در نقد نظری کتاب بوطیقای^۱ ارسطو است (شمیسا، ۱۳۸۳: ۳۱).

۲. نقد عملی^۲

«نقد عملی» بررسی تقریباً تفصیلی اثر خاصی است، یعنی استفاده عملی از قواعد و فنون ادبی و به کار بستن معیارها و محک‌های نقد که در نقد نظری برای شرح و توضیح و قضاوت اثر مورد نظر طبقه‌بندی شده است. در نقد عملی باید از اصول نقد که طبیعتاً بر تجزیه و تحلیل‌ها و ارزش‌گذاری منتقد، نظارت و حاکمیت دارند، به صورت ضمنی و غیر صریح استفاده کرد. به زبان ساده در عمل از مفاد آنها استفاده می‌شود، نه اینکه به صورت نقل قول، نقل را تحت‌الشعاع قرار دهند (همانجا).

در نقد عملی، ناقد با توجه به نوع معیارهایی که عملاً در فعالیت‌های نقادانه خویش به کار می‌بندد، محصولی را تولید می‌کند که تجزیه و تحلیل و نهایتاً قضاوت و داوری در آن به چشم می‌خورد؛ هر چند که ممکن است در نقد عملی - بر خلاف آنچه شمیسا نوشته است - معیارهای خویش را نیز ذکر کند، ولی این امر نباید به نحوی باشد که متن مورد بررسی، خود تبدیل به «نقد نظری» گردد.

در آثار حدیثی نیز گاه به آثاری برمی‌خوریم که احادیث عملاً مورد نقد و داوری قرار گرفته‌اند. هر چند ناقد در ابتدا و یا در بخشی از نوشته خویش به معیارهای نقد به طور ضمنی اشاره کرده است، ولی این آثار عموماً در حوزه «نقد عملی» قلمداد می‌شود. نمونه این گونه آثار «تهذیب الاحکام» و «الاستبصار فیما اختلف فیه من الاخبار» شیخ طوسی است همچنین می‌توان به «بحار الانوار» مجلسی و یا «امالی» سید مرتضی نیز اشاره نمود.

اقسام نقد حدیث

نقد الحدیث نیز خود به «نقد سند» یا نقد خارجی (بیرونی) و «نقد متن» یا نقد داخلی (درونی) تقسیم می‌شود.

1. Poetics.

2. Practical Criticism..

۱. نقد سند یا نقد خارجی

مراد از نقد بیرونی حدیث، «نقد سند» است، خواه کیفیت سند از جهت اتصال و انقطاع، مد نظر باشد که «علم درایه» عهده‌دار آن است و یا اجزاء سند و راویان آن، که مربوط به «علم رجال» است. در نقد خارجی حدیث، اسناد قول به معصوم بررسی می‌شود، اینکه آیا با توجه به وضعیت و کیفیت سند و راویان آن می‌توان به صحت سند و صدور روایت از معصوم^(ع)، مطمئن شد یا نه، موضوع نقد خارجی سند است. هم‌چنین بررسی اینکه در رجال مذکور در سند، تشابه و خلطی صورت گرفته یا نه و یا سند متصل است یا خیر، در نقد خارجی می‌گنجد.

۲. نقد متن یا نقد داخلی

مراد از نقد داخلی حدیث، نقد محتوا و متن حدیث، صرف نظر از «سند» آن است. بررسی متن از جهت درستی و یا نادرستی الفاظ و عبارات از جهت رکاکت در لفظ - که شایسته معصوم^(ع) نیست - تصحیف و تحریف و امثال آن، از مواردی است که در نقد متن، موضوعیت دارد. هم‌چنین بررسی سازگاری یا تعارض و تناقض روایت با معیارهای دیگر نظیر مغایرت با قرآن موضوعی است که ناظر به «نقد متن» حدیث است. در اینجا آیات قرآنی در پذیرش و یا عدم پذیرش حدیث نقش اساسی دارد و بیانگر صحت و یا سقم حدیث منسوب به معصوم^(ع) است. بنابر این صرف‌نظر از اینکه راوی ثقه باشد یا نباشد و صرف نظر از سایر شرایطی که در صحت و سقم سند حدیث دخالت دارد ارزیابی متن و محتوای حدیث با قرآن و یا سنت قطعی یا سایر معییری که در قبول و یا ردّ متن دخالت دارد، در حوزه «نقد داخلی» می‌گنجد. بنابر این برخی معاییر نقد الحدیث به «متن» حدیث برمی‌گردد و برخی از آن به «سند» حدیث راجع است.

معیار و محک‌های^۱ نقد الحدیث

چنان که گفته شد برای بررسی حدیث باید معیار و محک‌هایی وجود داشته باشد تا بتوان به صحت و سقم حدیث چه از جهت سند و چه از جهت متن پی برد. این معیارها را می‌توان به «معیارهای نقد سند» و «معیارهای نقد متن» تقسیم نمود.

1. Criteria.

۱. معیارهای «نقد سند»

علمی که در حدیث، عهده‌دار و متکفل این امرند، «علم درایه» و «علم رجال» است؛ زیرا در درایه، سند حدیث از جهت اتصال و انقطاع مورد بررسی است (آغا بزرگ، ۱۳۲۹، ج ۸: ۵۴). گویا «اتصال» و یا «انقطاع» سند، معیاری اساسی برای اعتبار و یا عدم اعتبار حدیث است؛ زیرا در علم درایه از احوال نفس سند بحث می‌شود (همانجا) و اینکه کیفیت این اتصال و انقطاع چگونه باشد و یا اینکه تعداد راویان در طریق حدیث چند تن باشند، از اموری است که موجب تنوع اصطلاحات حدیثی در علم درایه شده است. حدیث عزیز، یا مرسل یا... همه به نحوی با معیارهایی نظیر اتصال و انقطاع و یا تعدد راویان در سلسله نقل سنجیده شده‌اند، اما اینکه آیا در سلسله روایت «فردی» (راوی) توثیق و یا تضعیف شده است، معیار دیگری است که در «علم رجال» از آن بحث می‌شود. تمامی این معیارها که در «علم درایه» و «علم رجال» به کار شناخت حدیث می‌آید، می‌تواند ذیل معیارهای «نقد سند» یا نقد بیرونی حدیث، مطرح شود نظیر:

- «کیفیت احوال سند از حیث اتصال و انقطاع سند؛
- تعداد راویان در سند و یا در هر طبقه؛
- شرایط راویان و رجال سند: امامی بودن، ثقه بودن، ضبط بودن و... (سلیمانی، ۱۳۸۵: ۵۲).

۲. معیارهای «نقد متن»

۲-۱. تفاوت معیار نقد با ابزار فهم حدیث

قبل از ورود به بحث معیارهای «نقد متن»، شایسته است به منظور جلوگیری از خلط معیارهای «نقد متن» با ابزار «فهم متن» نکاتی را یادآور شود: باید توجه داشت که کارکرد معیارهای «نقد» و «فهم» متفاوت است. استفاده از معیارها و ضوابط بررسی حدیث، در «فقه‌الحدیث» از آن جهت صورت می‌گیرد که ناظر بر «فهم» حدیث باشد؛ زیرا در «نقدالحدیث» هدف و غایت، بررسی «صحت و سقم حدیث و یا صدور و عدم صدور» آن از ناحیه معصوم^(ع)، و یا صحت و اعتبار اجزای آن است؛ حال آنکه غایت «فقه‌الحدیث» فهم حدیث و درک مراد معصوم^(ع) و قصد وی از بیان و یا القای آن حدیث است^(۱).

بنابر این استفاده از معیارهای مذکور می‌تواند با توجه به غایت این دو علم یعنی نقد الحدیث و فقه الحدیث دارای تفاوت اساسی باشد. مثلاً استفاده از «تاریخ» برای نقد یک

حدیث تاریخی، به منظور پی بردن به درستی و یا نادرستی حدیث و یا صدور و عدم صدور آن از معصوم^(ع)، کارکردی است که در حوزه «نقد» می‌گنجد ولی از همین معیار، می‌توان به عنوان ابزار و وسیله‌ای در «فهم حدیث» - و نه نقد آن - نیز بهره جست.

۲-۲. معیارهای نقد متن

با توجه به تنوع معیارهای «نقد متن» که گاه مربوط به زبان و ادبیات متن و ساختار دستوری آن است و گاه مربوط به معیارهایی نظیر کتاب، سنت، عقل، تاریخ و... می‌توان «معیارهای نقد متن» را به پنج دسته تقسیم نمود:

۱. معیارهای ادبی نقد متن، نظیر: لغت و مفردات متن، ترکیب و ساختار متن از جهت دستوری (صرف و نحو) و فصاحت و بلاغت آن (بالاخص در مواردی که حدیث عین تعبیر معصوم^(ع) است)؛ عدم رکاکت لفظی و معنوی و ... مراد از معیارهای ادبی در نقد متن آن دسته از معیاری است که به ساختمان کلام و هیأت دستوری و تغییر در الفاظ و معانی آن مربوط است و از آنجا که در برخی احادیث به عباراتی بر می‌خوریم که صدور آن از افصح فصحاء و ابلغ بلغاء، رسول اکرم^(ص)، بعید به نظر می‌رسد یعنی دارای رکاکت لفظی یا معنوی است و یا در آن «لحن» وجود دارد با این معیارها قابل نقد و بررسی است.

برخی احادیث نظیر احادیث «مصحّف» و یا «محرّف» و «مدرج» و «غریب» و امثال آن با این معیار بررسی می‌شود. چنان که در روایت «ان رسول الله احتجم فی المسجد» گفته شده: «احتجم» مصحّف «احتجر» در روایت «احتجر فی المسجد بخص او حصیر حجره یصلی فیها» است (ابن‌الصلاح، ۱۴۲۳: ۳۸۵، نیز مامقانی، ۱۴۲۱ق: ۱۸۸).

۲. معیارهای نقلی نقد متن: مراد، آن دسته از معیارهایی است که اولاً ریشه اعتقادی دارد و ثانیاً حجیت آن به واسطه عقل و شرع به عنوان امری پذیرفته شده و غیر قابل تردید است. بنابر این می‌توان این معیارها را از اصول مسلمة نقد حدیث به شمار آورد؛ دو معیار «کتاب» و «سنت مقطوعه» در این محدوده جای دارد. بنابر این حدیثی که با حکم ثابت قرآنی در تعارض باشد و یا منافی سنت باشد، پذیرفته نیست (خمینی، ۱۳۷۵: ۱۸۰؛ ادلیبی، ۱۴۰۳: ۲۳۶).

در منابع حدیثی شیعه این معیار که برگرفته از پیامبر اکرم^(ص) و ائمه معصومین است، ذیل عناوینی چون «رد الخبر علی الكتاب» در ضمن احادیث متعددی وارد شده

است (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۶۴-۶۹). همچنین روایت: «کل شیء خالف کتاب الله عزّ و جل ردّ الی کتاب الله و السنه» (فیض، کاشانی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۳۰۱)، ناظر بر معیار بودن «سنت مقطوعه» برای نقد احادیث است.

۳. معیارهای عقلی (عقلایی) نقد متن: مراد از این معیارها، آن است که سنجش درستی و نادرستی حدیث به کمک «عقل» و یا «عقلا» تعیین شود. اگر حدیث منافی عقل بود، پذیرفته نیست (ادلبی، ۱۴۰۳: ۲۳۶). اگر کتاب و سنت در نقد یک حدیث ساکت باشد و یا پژوهنده نتواند به کشف آن از این دو منبع نایل آید، و از سوی دیگر «عقل» آن را نپذیرد و یا عقلا تنافی آشکار آن را - به عنوان امری صواب - دریابند به دلیل آنکه شرع و عقل حکمی بر صحت آن حدیث ندارند، بلکه به بطلان آن حکم می‌دهند، پذیرفته نیست. چنان که درباره روایت «ان سفینه نوح طافت بالبیت و صلت خلف المقام رکعتین» گفته‌اند به دلیل مخالفت با عقل پذیرفته نیست (الصالح، ۱۳۶۳: ۲۸۴).

۴. معیارهای حسی (حس و مشاهده) مراد از معیار «حس و مشاهده» آن است که حدیث با اموری که یا از نظر علمی با حس و مشاهده و تجربه‌ای که بالمآل با عقل تأیید شده است، در تضاد و تنافی نباشد. معیار حس و مشاهده از بدیهی‌ترین معیار نقد متن است. روایات عددیه در خصوص عدد روزه‌های ماه مبارک رمضان (طوسی، ۱۴۰۶، ج ۲: ۱۵ و ۱۴۲۶، ج ۱: ۳۹۹) که عدد روزه‌های ماه رمضان را سی روز ذکر می‌کند و ماه رمضان را کمتر از سی روز نمی‌داند، (کلینی، ۱۳۷۵: ۱۸۴۱؛ ابن بابویه، ۱۴۰۵: ۱۴۷) بیانگر آن است که پذیرش مفاد این گونه احادیث با حس و مشاهده و تجربه‌های مکرر «رؤیت هلال» و نتایج تجربی علم نجوم سازگار نبوده و محکوم به بطلان است.

۵. معیارهای علمی (نظریه‌های نقض شده) برخی «علم قطعی» را نیز معیاری برای نقد حدیث دانسته‌اند (ادلبی، ۱۴۰۳، ج ۷: ۲۳۶). نظر به این که مراد از «قطعیت» علمی، آن دسته از نتایج و رهاوردهای علمی است که صحت آن از حد یک «نظریه علمی» بالاتر رفته و به عنوان امری قطعی و مسلم پذیرفته شده است که احتمال خطا در آن نمی‌رود، امری قابل قبول است. ولی اینکه آیا می‌توان درباره علوم تجربی با چنین قطعیتی سخن گفت؟ نیاز به توضیح دارد. مراد از قانون و یا قطعیت علمی، مادامی است که بر یک تئوری، نقض و نقضی وارد نیاید. یعنی تا مادامی که یک تئوری علمی، مکرراً در تجربه و عمل سربلند بیرون آید، می‌توان آن را به عنوان امری قابل اتکاء پذیرفت؛

زیرا حجّت و دلیلی بر نفی آن یافت نشده است، ولی به مجرد نقض آن این معیار از دلیلیت ساقط می‌شود.

از این رو اتکاء به رهاوردهای علمی به عنوان معیار قطعی برای رد یا اثبات یک روایت تا مادامی حجیت دارد که دلیلی بر نقض آن رهاورد از جانب شرع و یا عقل موجود نباشد در غیر این صورت نمی‌توان به عنوان معیار بدان تکیه نمود. برخی معیارهایی نظیر «تاریخ» را در اینجا مطرح می‌کنند، ولی بهتر آن است که آن را در ذیل معیار «نقلی» - به مفهوم عام آن که حدیث را نیز شامل می‌شود - بگنجانیم.

نتیجه‌گیری

- موضوع نقد در اصطلاح حدیثی «سند و متن» را شامل می‌شود که به نقد سند، نقد بیرونی (خارجی) و به نقد متن، نقد درونی (داخلی) می‌گویند.

- از قرآن کریم چنین استفاده می‌شود که لازمه عمل به مفاد برخی آیات، مستلزم «نقد سخن» به معنای امروزی آن است.

- نقد متن را همچنین می‌توان به «نقد نظری» و «نقد عملی» تقسیم نمود که آثار حدیثی ما به ویژه کتبی نظیر: «الاستبصار فیما اختلف فیه من الاخبار» طوسی مشحون از «نقد عملی» روایات است.

- بین به کارگیری معیارهای نقد حدیث و ابزار فهم حدیث تفاوت اساسی وجود دارد. نقد سند حدیث با معیارهای سندی نقد که در دو علم «درایه» و «رجال» مفصلاً امضاء شده است، قابل بررسی است.

- معیارهای متنی نقد - که مورد تأکید این مقاله است - به پنج بخش کلی قابل تقسیم‌اند:

۱. معیارهای ادبی نقد متن.
۲. معیارهای نقلی نقد متن.
۳. معیارهای عقلی (عقلایی) نقد متن.
۴. معیارهای حسی (حس و مشاهده) نقد متن.
۵. معیارهای علمی (قوانین نقض نشده).

پی‌نوشت

۱. تفاوت در غایت هر علم نیز ملاکی برای تمایز آن دو علم است؛ زیرا گاه دو علم در موضوع با هم یکسان‌اند ولی در اهداف با یکدیگر تفاوت دارند. موضوع «فقه الحدیث»، متن حدیث و عوارض آن است و موضوع «نقد متن» نیز همین امر است، ولی چنان‌که ذکر شد غایت این دو با یکدیگر متفاوت بوده و یک علم محسوب نمی‌گردد؛ زیرا غایت «فقه الحدیث» درک معنا و مراد معصوم^(ع) است، حال آنکه غایت «نقد متن» پی بردن به صحت و سقم حدیث و یا صدور آن از معصوم^(ع) است که با معیارهای نقد متن میسر است. پس جهت به کارگیری معیارها و کارکرد آن در فقه و نقد با یکدیگر تفاوت دارد.

منابع

قرآن کریم

- ابن الصلاح (١٤٢٣ق) معرفه انواع علم الحديث، لبنان، دارالکتب العلمیه.
- ابن الصلاح (١٤٠٦ق) علوم الحديث، تحقیق نورالدینعتر، دمشق، دارالفکر.
- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن حسین (١٤٠٥ق) فقیه من لایحضره الفقیه، تحقیق حسن الخراسان، ج ٢، بیروت، دارالاضواء.
- ابن منظور (١٤٢٠ق) لسان العرب، تعلیق و فهارس علی شیری، ج ١٤، بیروت، دارالثقلین.
- ادلی، صلاح الدین (١٤٠٣ق) منهج نقد المتن، ج ٧، بیروت، دارالافاق الجدید.
- برقی، احمد بن محمد (١٤١٦ق) المحاسن، قم، المجمع العالمی لاهل البیت^(ع).
- تهرانی، آقابرگ (١٣٢٩ق) الذریعه فی تصانیف الشیعه، ج ٨، تهران.
- جر، خلیل (١٣٦٣) المعجم العربی الحديث (فرهنگ لاروس)، ترجمه سیدحمید طبیبیان، ج ٢، تهران، امیرکبیر.
- حر عاملی، محمد بن حسن (١٤١٢ق) وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ١٨، قم، مؤسسه آل البیت^(ع).
- خمینی، سیدروح الله (١٣٧٥) التعادل والتراجیح، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- سلیمانی، داود (١٣٨٥) فقه الحديث و نقد الحديث، تهران، فرهنگ و دانش.
- شمیسا، سیروس (١٣٨٣) نقد ادبی، تهران، فردوس.
- صبحی، صالح (١٣٦٣) علوم الحديث، قم، منشورات (الشریف الرضی).
- طوسی، محمد بن حسن (١٤٠٦ق) الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، ج ٣، لبنان، دارالاضواء.
- طوسی، محمد بن حسن (١٤٢٦ق) تهذیب الاحکام، ج ٧، لبنان، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (١٤١٤ق) کتاب العین، ج ٣، قم، اسوه.
- فولادوند، محمد مهدی (١٣٧٣ش) ترجمه قرآن، تهران، دارالقرآن الکریم.
- فیض کاشانی، محمدحسن (١٣٦٥ش) کتاب الوافی، ج ١، اصفهان، مکتبه الامام امیرالمؤمنین^(ع).
- کلینی، محمد بن یعقوب (١٣٧٥) الاصول من الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، نشر دارالکتب الاسلامیه.
- مامقانی، عبدالله (١٤٢١ق) مقیاس الهدایه فی علم الدرایه، تحقیق محمدرضا مامقانی، لبنان، دار احیاء التراث العربی.
- مجلسی، محمدباقر (١٤٠٣ق) بحار الانوار، ج ٢ و ٦٧، بیروت، مؤسسه الوفاء.